

پذیرفتنی ایجاد می‌کرد. این دگرگونی، بیش از هر عنصر، متوجه استعمال افعال در نقشهای تازه معنایی و تصویری است. از حیث تخیل، خاصه در کاربرد تصویر، شاید بتوان شعر محمود درویش را پر تصویرترین شعر در میان شعر معاصران نوگرا دانست. گونه‌های تصاویر او بس متعدّد است و از تصویرهای فشرده با ترکیبی گرفته تا تصاویر انتزاعی و تجسمی و کارکردی و متراکم و متداخل و حسی و پُرنداعی را شامل می‌شود. در موسیقی شعر هم محمود درویش، در همه مراحل تحوّل شعری خود، متناسب با ساختار اختیاری، از وزن و ضرباهنگ، و عنداللزوم از زنگ قافیه، آگاهانه استفاده کرده و در چهارچوب شعر امروز از وزن درونی و حتی از شعر سپید نیز غافل نمانده است. سرانجام اینکه در استفاده از نماد و اسطوره بسیار توانا و پرمایه است و اغلب نمادهای او بر عناصر حیاتی انسان و وطن دلالت دارد؛ نمادهایی چون باران، رؤیا، آینه‌ها، کبوتران، باد، زمان، خزان، سبز مبهم (خون)، ترانه، آواز، شعر، آغاز، پایان، دریا، زیتون، گل سرخ، پرتقال، خاک، یاسمن.

راز توفیق محمود درویش در این است که با ذهن خلّاق، تخیل غنی، حسّ صادق و زبان هموار و انعطاف‌پذیر خود بیانگر تازه‌ترین یافته‌ها و الهامات شعری است، به گونه‌ای که اثر نکته‌ی می‌یابد که حتی با تفاوت در دامنه موضوعات، از مقاومت گرفته تا تأملات فردی، پایدار و تازه می‌ماند.

\*\*\*

در بخش بعدی این برنامه ناصر زراعتی در جایگاه قراز گرفت و درباره مجموعه شعر محمود درویش چنین گفت:

در سخاوت

«اگر باران نیستی، محبوب من!

درخت باش،

سرشار از باروری... درخت باش!

و اگر درخت نیستی، محبوب من!

سنگ باش،

سرشار از رطوبت... سنگ باش!

و اگر سنگ نیستی، محبوب من!

ماه باش،

در رؤیای عروست... ماه باش!

[چنین می‌گفت زنی در تشییع جنازه فرزندش.]

دوستان، سلام!

وقتی نسخه‌ای از ترجمه فارسی کتاب «در محاصره»، مجموعه شعر محمود درویش، و یک کپی از فیلم مستند «نویسندگان مرزها، سفر به فلسطین» با زیرنویس فارسی را به عنوان سوغات به دوستم علی دهباشی دادم، پیشنهاد کرد شبی به یاد و به نام این شاعر فلسطینی برگزار شود. و این همزمان بود با تدارک شب اورهان پاموک که دوستانی که آن شب حضور داشتند، حتماً با من موافق‌اند که شبی بود زیبا و به یادماندنی.

من نه زبان عربی می‌دانم و نه شناخت چندانی از شعر و ادبیات فلسطین دارم. امشب این سعادت نصیبم شده که به عنوان ویراستار و ناشر کتاب محمود درویش و کمک کننده به کار زیرنویس فارسی فیلم مستند «نویسندگان مرزها...» در درجه اول و به عنوان خواننده دوستدار شعر و بیننده‌ای دلبسته سینمای مستند، در درجه دوم و مهمتر از همه، به عنوان فردی خواهان عدالت و آزادی که حدود نیم قرن است شاهد آوارگی و رنج ملتی شریف بوده، چند دقیقه‌ای وقت عزیز شما را بگیرم. در آغاز دهه شصت - رُبع قرن پیش - من و ابراهیم شعری، در سرآغاز ترجمه فارسی رمان «رقص جنگیز کهن» نوشته رومن گاری، چنین نوشتیم:

ترجمه این کتاب به ملت ستم‌دیده و مبارز فلسطین که سال‌هاست در برابر صهیونیست‌های اشغالگر و اربابان شان پایمر دانه ایستاده‌اند و برای به دست آوردن آزادی دلیرانه می‌جنگند، با احترام و فروتنی، پیشکش می‌شود.

نویسنده در پایان این رمان خواندنی، خطاب به قهرمان داستان خود که روح یک بازیگر کم‌دی یهودی است که به دست نازی‌های آلمان کشته شده، می‌گوید: تو دیگر باید از صحنه خارج شوی. حالا نوبت سپاهان آمریکا و فلسطینی‌ها و عرب‌هاست.

ما در مقدمه کتاب نوشتیم که رومن گاری در رمان دیگری، به وضعیت اسفبار سپاهان آمریکا پرداخت، اما افسوس که فرصت نیافت درباره فلسطینی‌های آواره نیز داستانی بنویسد.

اوایل تابستان گذشته، وقتی کار زیرنویس فارسی این فیلم به پایان رسید، خبردار شدم محمود درویش به مناسبت انتشار ترجمه سوئدی کتاب «در محاصره»، به نمایشگاه بین‌المللی کتاب شهر گوتنبرگ سوئد دعوت شده است. فکر کردم چه خوب است ما هم ترجمه فارسی این کتاب را همزمان منتشر کنیم. خوشبختانه این فکر خوب تا اوایل مهر ماه - زمان برگزاری نمایشگاه - صورت عمل به خود گرفت.

محمود درویش را در نمایشگاه دیدم و نسخه‌ای از ترجمه فارسی «در محاصره» را به او دادم.

روی جلد کتاب را نگاه کرد و با تعجب گفت: «این عکس من است!»

گفتم: «این هم کتاب شماست، به فارسی.»

کتاب را ورق زد و با تعجب بیشتری پرسید: «مگر شعرهای من به فارسی هم در آمده؟» برایش توضیح دادم که ما ایرانیان سال‌هاست او و بعضی شاعران و نویسندگان فلسطینی را می‌شناسیم. گفتم که شعرهایش ترجمه شده و در نشریه‌ها، جُنگ‌ها، کتابها و این اواخر، در سایت‌های اینترنتی انتشار یافته است و اهل فرهنگ و ادب و کتاب ایران با نام او و کارهایش آشنا هستند.

گفت: «آیا می‌توانم نسخه‌ای از این کتاب را داشته باشم؟»

وقتی گفتم: «این کتاب را همزمان با ترجمه سوئدی‌اش منتشر کرده‌ایم و این نسخه را هم برای شما آورده‌ام.» خوشحال شد و نسخه‌ای را هم به یادگار برایم امضاء کرد. نشانی دادیم و نشانی گرفتیم تا در آینده با هم در تماس باشیم.

شاید این پرسش برای او هم مطرح شده باشد که چرا نویسندگان و شاعران ایرانی و فلسطینی این همه از یکدیگر دوراند و با هم ناآشنا؟

در سال ۲۰۰۲، قرار بوده محمود درویش در جلسه نویسندگانی از سرزمین‌های گوناگون شرکت کند، اما رام الله در محاصره نیروهای اسرائیلی بوده و او آزادی و امکان سفر نداشته است. نویسندگان جهان تصمیم می‌گیرند به فلسطین بروند، به دیدار محمود درویش و دیگر نویسندگان و شاعران و هنرمندان و مردم تحت محاصره فلسطین. این فیلم مستند گزارشی است از این سفر و دیدار نویسندگان و شاعرانی از چین، پرتغال، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، انگلستان، آفریقای جنوبی و نیجریه. هر نویسنده به زبان مادری خود، برداشت و نظرش را در مورد فلسطین و وضعیت مردمانش در محاصره و زیر بمباران نظامیان اسرائیلی، روایت می‌کند.

هنگام مشاهده فیلم، جای خالی نویسنده یا شاعری ایرانی در میان این جمع «نویسندگان مرزها»، به خوبی احساس می‌شود. کاش روایتی هم به زبان فارسی در این مستند می‌بود! کاش ما اهالی فرهنگ و ادب و هنر بتوانیم با همگنان خود، در سراسر جهان، ارتباط داشته باشیم، که برای شاعر و نویسنده و هنرمند، مرز و محدوده جغرافیایی و زبانی وجود ندارد.

شاعران، نویسندگان و به طور کلی هنرمندان پیام آوران صلح و دوستی، عشق به انسان، آزادی و عدالت‌اند.

از میان ۱۲۲ شعر کوتاه و متوسط مجموعه «در محاصره»، ۱۴ شعر با واژه زیبای «صلح» آغاز می‌شود و در وصف و ستایش صلح است:

صلح آه دو عاشق است که تن می‌شویند

با نور ماه

-  
صلح پوزش طرف نیرومند است از آن که  
ضعیف‌تر است در سلاح و نیرومندتر است در افق.

-  
صلح اعتراف آشکار به حقیقت است:  
با خیل کشتگان چه کردید؟  
شاعر در شعرهای دیگر، از دوستی می‌گوید و عشق:  
«یا او، یا من!»

جنگ چنین می‌شود آغاز.  
اما با دیداری نامنتظر، به سر می‌رسد:  
«من و او!»

و نیز از قدرت و معجزه عشق می‌گوید:  
بیست سطر درباره عشق سرودم  
و به خیالم رسید که این دیوار محاصره  
بیست متر عقب نشسته است.

اجازه بدهید، با آرزوی پیوند دوستی میان اهالی ادب و فرهنگ و هنر در جهان و برقراری صلح  
و آزادی و عدالت، با شعر دیگری از محمود درویش حرف‌هایم را تمام کنم؛ شعری زیبا و غم‌انگیز؛  
شعری که خود داستانی است تکان دهنده:

[به قاتلی دیگر.]

- اگر چنین را سی روز مهلت داده بودی، گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
احتمال‌های دیگری بود:

شاید اشغال به پایان می‌رسید  
و آن شیرخواره زمان محاصره را به یاد نمی‌آورد،  
آن‌گاه چون کودکی سالم بزرگ می‌شد و به جوانی می‌رسید  
و با یکی از دخترانت در یک کلاس،  
درس تاریخ باستان آسیا را می‌خواند  
شاید هم به تور عشق یکدیگر می‌افتادند،  
شاید صاحب دختری می‌شدند [که یهودی زاده می‌شد]،  
پس ببین چه کرده‌ای؟

حالا دخترت بیوه شده

و نوهات یتیم

بین بر سر خانواده در به درت چه آورده‌ای

و چگونه با یک تیر، سه کیوتر زده‌ای.

پس از سخنرانی زراعتی چند شعر از سروده‌های محمود درویش توسط پگاه احمدی خوانده شد.

۵۵۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رستا جامع علوم انسانی

نشر تاریخ ایران منتشر کرده است:

● شیوه تاریخنگاری / ج.ر. التون / منصوره اتحادیه / ۱۱۸

ص / ۱۵۵۰ تومان

● زبان پدري / آلبرت اوستر مایر / بهمن دخت اویسی و

فرشته مهرابی / ۷۰ ص / ۱۰۰۰ تومان

نشر تاریخ ایران - خیابان فلسطین - ساختمان ۱۱۰ - طبقه سوم

تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰